

تأملی درباره «قانون ممنوعیت به کارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره» و چالش‌های فقهی و حقوقی آن

جواد یعقوبی*
محمد یعقوبی**
حسین ناصری مقدم***

تاریخ تأیید: ۹۵/۱/۲۵

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۱/۱۰

چکیده

از زمان تصویب قانون ممنوعیت به کارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره، مباحث دامنه داری درباره آن شکل گرفته است. تعارض قانون مذکور با برخی مفاهیم و حقوق بنیادین که پشتوانه‌های محکم فقهی نیز دارند - همچون مالکیت، حریم خصوصی، حلال بودن استفاده از آلات مشترک، حقوق بشر و حق برخورداری از آزادی اطلاعات - آن را با چالش مهمی روبه‌رو کرده است. از سوی دیگر، اصرار حامیان این قانون بر اجرای آن، نزاع را افزون ساخته است. در این میان، کیفیت اجرای قانون نیز به معضل عظیمی تبدیل شده که ابهامات را بیشتر و مسئله را پیچیده‌تر کرده است. نوشتار حاضر به روش کتابخانه‌ای و از راه مقایسه قوانین دیگر با قانون مزبور و با تشریح پیامدهای سیاسی و حقوقی شکل فعلی مبارزه با ماهواره، روش‌های جایگزین را به جای جمع‌آوری دیش‌های ماهواره پیشنهاد می‌دهد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که اجرای قانون ماهواره، با توجه به دوجویی بودن کاربرد ماهواره و محسوب شدن آن جزء آلات مشترک در نگاه فقهای اسلام، با قوانین مربوط به حوزه خصوصی افراد، قانون مجازات اسلامی، بیانیه حقوق بشر اسلامی و بسیاری از کنوانسیون‌های حقوقی بین‌المللی که ایران آن را پذیرفته، در تعارض می‌باشد. پیشنهاد این پژوهش، تأکید بر روش‌های جایگزین به ویژه روش‌های فرهنگی است.

واژگان کلیدی: قانون ماهواره، تجهیزات ماهواره‌ای، حریم خصوصی، جریان آزاد اطلاعات، آلات مشترک.

* دانش آموخته کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد/ نویسنده مسئول
(Javad.yaghoubi@alumni.um.ac.ir).

** دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه مفید قم (Mohammad.yaghoobi1369@yahoo.com).
*** دانشیار و عضو هیات علمی گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد
(Naseri1962@um.ac.ir).

مقدمه

نوشتار حاضر به دنبال بررسی قانون مبارزه با ماهواره و کیفیت برخورد مجریان قانون، در حوزه حریم خصوصی افراد در مسئله جمع‌آوری دیش‌های ماهواره است. پرسش این نوشتار آن است که چگونه می‌توان از آزادی اطلاعات، ممانعت کرد و در عین حال، به ماهیت انقلاب اسلامی که مبارزه با استبداد فکری و اجتماعی و حمایت از حقوق افراد است، وفادار بود؟!

در پاسخ به این پرسش، نخست به مبحث جریان آزاد اطلاعات و مباحث تاریخی و حقوقی مربوط به آن پرداخته شده است. سپس در بخش دوم مقاله، حریم خصوصی از منظر فقه اسلامی، قوانین داخلی و قوانین بین‌المللی به بحث گذاشته شده است. در ادامه، کنوانسیون‌های حقوقی در باب کرامت انسانی و نیز اعلامیه حقوق بشر اسلامی در باب حقوق ابتدایی و اساسی انسان بررسی شده است و در نهایت، با توجه به اینکه ماهواره از آلات مشترکه محسوب می‌شود و استفاده مثبت و منفی از آن امکان‌پذیر است، درباره قانون ممنوعیت استفاده از ماهواره، صدور احکام ورود به خانه به وسیله برخی قضات، رفتار نیروی انتظامی در جمع‌آوری دیش‌ها و مسائلی از این دست، مباحثی مطرح شده است و با مراجعه به فتاوی فقها، بحث به اتمام می‌رسد.

۱. سیر تاریخی جریان آزاد اطلاعات

موضوع جریان آزاد اطلاعات پس از پیروزی بورژواها در اروپا مطرح شد. جریان آزاد اطلاعات، نخست با لغو قانون مربوط به اجازه چاپ و سانسور در سال ۱۶۸۵م در بریتانیا و سپس به طور گسترده در فرانسه و ایالت متحده امریکا به رسمیت شناخته شد. این ابتکار به تدریج در تمام دنیا در قرن‌های نوزدهم و بیستم معمول شد. جریان آزاد اطلاعات و آزادی مردم و حق آنان در استفاده از اطلاعات در کشور ما نیز مورد توجه قرار داشته است؛ به عنوان نمونه، در مقدمه قانون اساسی در بخش شیوه حکومت در اسلام، از سپردن سرنوشت مردم به دست خودشان

سخن گفته شده است.* همچنین در بند هشتم اصل سوم قانون اساسی،** دولت موظف است همه امکانات خود را برای مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش به کار برد.

۲. مفهوم شناسی حریم خصوصی

در کنگره حقوقدانان که در ۱۹۷۷م در استکهلم منعقد شد، کنگره، احترام به زندگی خصوصی را برای سعادت بشر لازم می‌شمرد. در قطعنامه‌های این کنگره آمده است: «زندگی حق فرد است؛ هرگونه که قصد دارد و باید در مقابل هرگونه مداخله در زندگی خصوصی، خانوادگی و داخلی او حمایت شود» (طباطبایی مؤتمنی، [بی تا]، ص ۵۹).

۱۲۹ با آنکه حریم خصوصی در زبان محاوره و نیز مباحث فلسفی، سیاسی و حقوقی، به دفعات استفاده می‌شود؛ ولی هنوز تعریف مدون و مشخصی از آن ارائه نشده است. فلاسفه حال و گذشته و نظریه‌پردازان حقوقی، همواره از دشواری ارائه تعریف اقناع کننده از مفهوم حریم خصوصی شکوه دارند؛ برای مثال، برخی صاحب نظران درباره تعریف حریم خصوصی چنین اظهار نظر کرده‌اند:

جان لاک می‌گوید: «هر انسانی در درون خود یک قلمرو شخصی دارد و تأکید می‌کند که هیچ کس غیر از خود شخص، حقی برای ورود به این قلمرو ندارد» (هوسمن، [بی تا]، ص ۵۵-۴۲).

آلن وستین در کتابی با عنوان **حریم خصوصی و آزادی**، پیشنهاد می‌کند حریم خصوصی کنترل شخص بر توزیع اطلاعات مربوط به خود تعریف شود (محسنیان، ۱۳۸۳، ص ۲۳۴-۲۶۴).

* مقدمه قانون اساسی، بخش شیوه حکومت در اسلام: با توجه به ماهیت این نهضت بزرگ، قانون اساسی تضمین‌گر نفی هرگونه استبداد فکری اجتماعی و انحصار اقتصادی است و در خط گسستن از سیستم استبدادی و سپردن سرنوشت مردم به دست خودشان تلاش می‌کند: «وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ».

** بند هشتم: «شرکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش».

۳. نیاز فطری انسان به حریم خصوصی

برخی اندیشمندان معتقدند برخورداری از حریم خصوصی، نیازی فطری است که ضرورت آن بدون استدلال عقلی و از راه شهود، قابل درک است. تحقیقاتی که برخی انسان‌شناسان انجام داده‌اند، مؤید این امر است و حتی جانورشناسان نیز اثبات کرده‌اند برخی حیوانات به طور غریزی برای حریم خصوصی ارزش قائل‌اند (انصاری، ۱۳۸۶، ص ۴۰).

۴. حریم خصوصی در فقه

هرچند در نگاه اول، به نظر می‌رسد در کتب مرسوم فقهی مبحثی وجود ندارد که به طور مستقیم و مستقل، حریم خصوصی را مطالعه کرده باشد؛ ولی بحث از عنوان مذکور را در چند موضع می‌توان شناسایی و بررسی کرد:

اول، حریم خصوصی عنوانی کلی است که مصادیقی قابل جست‌وجو در کتاب و سنت دارد؛ به عنوان مثال، ورود به منازل دیگران و تجسس، یکی از مصادیق حریم خصوصی است که در کتاب و سنت بحث شده است. در واقع عنوان کلی حریم خصوصی به ریزموضوعاتی تجزیه می‌شود و از منظر فقه بررسی می‌گردد.

دوم، شیوه اصطیاد که در تعریف آن گفته شده است، هرگاه انسان از مجموعه‌ای از مطالب، نکته یا قاعده‌ای کلی در ذهن خود بیاورد که از روح آن سخن چینی برداشت شود، اصطیاد است و آن قاعده را قاعده مصطاده گویند (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۴۴). به عنوان تنظیر، امام خمینی معتقد است قاعده ضمان ید،* از مجموعه احکامی که در روایات وجود دارد، استفاده می‌شود، در صورتی که آن قاعده، قاعده فقهی مستقلی است که اکثر فقها به طور مجزا در کتب فقهی خویش آن را بحث و بررسی کرده‌اند (خمینی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۳۷۲-۳۷۶). علاوه بر این، آیت‌الله خوئی و آیت‌الله مکارم شیرازی معتقدند قاعده «من أتلف مال الغیر فهو له ضامن»** (موسوی بجنوردی،

* مستند این قاعده، حدیثی از پیامبر ﷺ است که می‌فرماید: «عَلَى الْيَدِ مَا أَخَذَتْ حَتَّى تُؤَدِّيَهُ» (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۴۰۹/نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۷، ص ۸۸، ح ۲۰۸۱۹-۴).

** در کتب فقهی مطرح است که هرگاه کسی مال دیگری یا منابع مترتب بر آن را بدون اذن صاحبش

۱۴۱۹، ج ۲، ص ۲۵ / لنگرانی، ۱۴۱۶، ص ۴۸-۴۹)، روایت نیست، بلکه اصطیاد و برگرفته از روایات است (خویی، [بی تا]، ج ۳، ص ۱۳۱ / مکارم شیرازی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۱۹۴). بر این اساس، آیا می‌توان استنباط کرد قاعده حریم خصوصی از مجموعه احکام پراکنده‌ای که در فقه وجود دارد، به وجود می‌آید و در نتیجه، موضوع حریم خصوصی را به عنوان یک حق اثبات کنیم یا خیر؟ بنابراین باید حریم خصوصی و قواعد مربوط به آن نیز از مجموع مباحث فقهی اصطیاد شود.

سوم، شیوه مبنایی؛ برعکس مورد دوم که از چند مورد، یک قاعده استنتاج می‌شود، در اینجا یک مبنای مشخص، احکام و مقررات خاصی به دنبال دارد؛ مثل اینکه یک مبنای کلی برای حریم خصوصی در فقه مشخص شود و ملتزم شویم همه احکامی که بر این مبنا مترتب می‌شود، پذیرفته است؛ به عنوان مثال، قاعده «الأناس مسلطون علی أموالهم و أنفسهم...» (حسینی حائری، ۱۴۲۴، ص ۱۸۱) را به عنوان مبنا در فقه تعیین کنیم و بر اساس آن حکم کنیم آنچه در حریم خصوصی مطرح می‌شود و با این قاعده سازگار است، از نظر فقهی قابل قبول است.

روش مقبول این نوشتار، مورد اول است. از این رو، مباحث و اصطلاحاتی را که در آیات و روایات اسلامی درباره حریم خصوصی به کار رفته است، می‌توان طبق عناوین ذیل دسته‌بندی کرد:

۱. ممنوعیت تجسس و تفتیش: مهم‌ترین آیات و روایاتی که به ممنوعیت تجسس و تفتیش در امور دیگران اشاره دارد، بدین شرح است:

خداوند در آیه دوازدهم سوره حجرات می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا...: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید؛ چراکه بعضی از گمان‌ها گناه است و هرگز [در کار دیگران] تجسس نکنید ...

از پیامبر اکرم ﷺ روایات متعددی درباره ممنوعیت تجسس نقل شده است؛

تلف کند، در برابر صاحب آن ضامن و مسئول است؛ خواه تلف از روی علم و قصد باشد، یا خیر (حسینی مراغی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۴۳۴). ماده ۳۲۸ ق.م. بیان داشته است: هر کسی مال غیر را تلف کند، ضامن است و باید مثل یا قیمت آن را بدهد.

از جمله اینکه فرمود:

از گمان بپرهیزید؛ زیرا گمان، سخن را در گرداب دروغ می‌افکند، از کنجکاوی و پاییدن یکدیگر بپرهیزید، از حال کسی تفتیش نکنید ... (حمیری، ۱۴۱۳، ص ۱۵ / مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۲، ص ۲۵۲).

امام علی علیه السلام نیز در نامه به مالک، تجسس حاکم در احوال مردم را منع کرده، پوشاندن عیوب را توصیه فرموده است (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، ص ۵۶۸-۵۶۹).

۲. ممنوعیت ورود به منازل بدون استیذان: ورود به منازل اشخاص، منوط به اذن گرفتن از صاحب آنها شده است. آیه ۲۷ سوره نور می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا ... ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در خانه‌هایی غیر از خانه خود، وارد نشوید تا اجازه بگیرید ...».

حکم پیامبر صلی الله علیه و آله در قضیه سمره بن جندب از مهم‌ترین نمونه‌های تاریخی است که بر ممنوعیت ورود بدون اذن به خانه‌های مردم دلالت می‌کند (آشتیانی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۲۲۴ / کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۲۹۲-۲۹۳، کتاب المعیشه، باب ضرار، ح ۲).

۳. ممنوعیت استراق سمع و بصر: هتک ستر و نگاه کردن به هر آنچه نوعاً یا شخصاً در قلمرو حریم خصوصی قرار می‌گیرد، ممنوع است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «هرکس به مکالمات دیگران در حالی که راضی نیستند، گوش دهد، روز قیامت در گوش وی سرب گذاخته ریخته می‌شود» (حویزی، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۹۳).

۴. ممنوعیت سوء ظن: سوء ظن به مؤمن حرام شمرده شده است. علامه مجلسی در بحار الأنوار از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده است: «إن الله تعالى حرم من المسلم دمه و ماله و أن یظن به ظن السوء: همانا خداوند متعال، جان و مال را محترم ساخته و از سوء ظن به او منع کرده است» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۲، ص ۲۰۱).

۵. ممنوعیت نیمه و غیبت: نیمه و غیبت، نقض حریم خصوصی اطلاعات اشخاص است. حقیقت نیمه عبارت است از افشا و هتک سری که دارنده آن، افشای آن را بر دیگران روا نمی‌داند (شهید ثانی، ۱۴۲۱، ص ۲۰۶). همچنین در آیه یازدهم سوره قلم،* پیامبر صلی الله علیه و آله از ترتیب اثر دادن به نامان و عیب‌جویان منع شده

* هَمَّازٍ مَشَاءٍ بَنَمِيمٍ: کسی که بسیار عیب‌جوست و به سخن چینی آمد و شد می‌کند.

است. غیبت وجه مشدد و بدترین قسم نیمه است (همو، [بی تا]، ص ۳۰۴). خداوند قسم یاد کرده است که نمّام و ساعی در فتنه را داخل بهشت نمی کند (صدوق، ۱۴۰۶، ج ۴، ص ۳۵۶).

۶. ممنوعیت اشاعه فحشا و هتک ستر: خداوند در آیه نوزدهم سوره نور می فرماید: **إِنَّ الَّذِينَ يَجُوبُونَ أَنْ تَشِيَعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ...** کسانی که دوست دارند زشتی ها در میان مردم باایمان شیوع یابد، عذاب دردناکی برای آنان در دنیا و آخرت است و خداوند می داند و شما نمی دانید. اسلام نه تنها دولت و اشخاص ثالث را از ورود در حریم خصوصی انسانها منع کرده است، بلکه به همه انسانها دستور داده است از افشای امور و مسائلی که نوعاً برای دیگران فاش نمی شود، خودداری کنند. پیامبر ﷺ فرمود:

من أذاع الفاحشة كمن مبتدئها و من عبر مؤمناً بشيءٍ لا يموت حتى يركبه: کسی که عمل زشتی را منتشر کند، مانند کسی است که آن را ایجاد کرده است و هرکس مؤمنی را به سبب کار بدی سرزنش کند، نخواهد مُرد، مگر آنکه همان عمل را انجام دهد (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۲، ص ۲۹۶ / کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۵۶).

از مجموع روایات برمی آید که افشای مسائل خصوصی حتی با رضایت شخص، مجاز نیست؛ زیرا اشاعه فحشا محسوب می شود. افشای مسائلی که به ستر عورت انسان مربوط می شود نیز همین گونه است؛ زیرا حفظ عورت، از واجبات است. صاحب جواهر در توصیف انسان عادل می گوید:

عادل یعنی کسی که عیبها و لغزشهای خود را می پوشاند ... و نه کسی که هیچ گونه عیب و لغزشی نداشته باشد. بله! ... اگر عیب و لغزشی باطناً از او سر بزند، بر او واجب است که آن را از دیگران پوشاند؛ زیرا اشاعه فحشا ممنوع است ... (صاحب جواهر، ۱۴۰۴، ج ۱۳، ص ۲۹۸)*.

بر اساس بینش توحیدی اسلامی، حفظ حرمت حریم خصوصی نه تنها به منظور رعایت حق دیگران، بلکه بر اساس تعالی، رشد و ارتقای وجدان دینی جامعه ایمانی، بنیان گذاری می شود و بدین ترتیب در بینش اسلامی با اهتمام به زندگی خصوصی، هویت فرد در جامعه اسلامی ارتقا می یابد (مهریزی، ۱۳۷۸، ص ۴۵-۷۰).

* صاحب جواهر این قول را از وحید بهبهانی در مصابیح الظلام نقل کرده است.

از منظر فقهی، تجاوز به حریم خصوصی حرام است و به تعبیر فقه جزا و حقوق، جرم تلقی می‌شود. امام خمینی در فرمان هشت ماده‌ای خود که در تاریخ ۲۴ آذر سال ۱۳۶۱ به قوه قضائیه و سران اجرایی کشور صادر کرد، می‌فرماید: «مرتکبان هر یک از امور فوق، مجرم و مستحق تعزیر شرعی و بعضی از آنان مستوجب حد شرعی هستند» (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۷، ص ۱۴۰-۱۴۱).

۵. حریم خصوصی در حقوق موضوعه ایران

در نظام حقوقی ایران، حریم خصوصی به طور مشخص حمایت نشده است. حقوق و آزادی‌هایی که ذیل عنوان حریم خصوصی حمایت می‌شوند، به طور ضمنی و در بطن دیگر قواعد حقوقی ایران حمایت شده‌اند.

قانون اساسی، قانون مجازات اسلامی، قانون آیین دادرسی کیفری، قوانین و مقررات مربوط به ارتباطات پستی، تلفنی، اینترنتی و قانون مطبوعات، در زمره قوانین و مقرراتی‌اند که گاه ضمنی و گاه آشکارا از برخی مصادیق حریم خصوصی حمایت کرده‌اند. برای روشن شدن مطلب، اشاره مختصری به برخی از این قوانین می‌کنیم.

۵-۱. حریم خصوصی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

برخلاف قوانین اساسی کشورهای دیگری که از حریم خصوصی به صورت مشخص در قالب اصل یا اصولی خاص حمایت کرده‌اند، در قانون اساسی ایران، متن خاصی وجود ندارد که از حریم خصوصی با این عنوان حمایت کرده باشد؛ ولی به نوعی مواردی از جمله حریم خلوت و تنهایی، حریم مکانی، حریم اطلاعات، حریم ارتباطات و حریم جسمانی، مد نظر قرار گرفته است. اصل ۱۶۷ و ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی، قاضی را موظف ساخته است در صورت سکوت قوانین و منابع معتبر اسلامی یا فتاوی‌ای معتبر، حکم قضیه را صادر کند.

همچنین در تحلیل چند اصل مهم قانون اساسی، به روشنی می‌توان توجه خاص - ولی ناکافی - به مفهوم حریم خصوصی را مشاهده کرد. در اصول ۱۹، ۲۰، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۳۰، ۳۲، ۳۳، ۳۵، ۳۸، ۳۹، ۴۰ و ۴۲ به این موارد

اشاره شده است (هاشمی، ۱۳۸۴، ص ۲۱۹).

در اصل ۲۵ قانون اساسی، بدون تصریح به آزادی ارتباطات، به استثنای این اصل اشاره شده است و از حریم خصوصی ارتباطات، در مورد شایع ترین وسایل ارتباطی حمایت شده است. این اصل یکی از مهم ترین اصول قانون اساسی است که به شکل روشن و مشخص به حمایت از حریم خصوصی ارتباطات پرداخته است.*

۵-۲. حریم خصوصی در قانون مجازات اسلامی

در ماده ۵۸۰ قانون مجازات اسلامی آمده است:

هر یک از مستخدمین و مأمورین قضایی یا غیرقضایی یا کسی که خدمت دولتی به او ارجاع شده باشد، بدون ترتیب قانونی به منزل کسی و بدون اجازه و رضای صاحب منزل داخل شود، به حبس از یک ماه تا یک سال محکوم خواهد شد ... و چنانچه این عمل در شب واقع شود، مرتکب یا آمر به حداکثر مجازات مقرر محکوم خواهد شد. این ماده با دایره شمول محدودی که دارد، اختصاصاً منزل اشخاص را از ورود مستخدمان و مأموران قضایی یا غیرقضایی یا کسی که خدمت دولتی به او ارجاع شده است، ممنوع می نماید و ورود افراد مذکور را منوط به اجازه و رضایت صاحب منزل دانسته است.

درباره چگونگی ورود به حریم خصوصی، بخشنامه شماره ۱/۷۸/۱۲۶۷۰ - ۱۳۸۱/۱۲/۱ قوه قضائیه اشعار می دارد:

... در مواردی که به موجب دلایل ظن قوی به وجود متهم یا کشف آلات و مدارک جرم در محل، بازرسی منازل را ایجاب نماید، نحوه اقدام باید بر اساس مقررات فصل سوم قانون اخیر صورت گیرد و از بازرسی در غیر موارد مهم و ضروری و نیز تفویض نمایندگی های مطلق و کلی اجتناب گردد. اجازه بازرسی و اعطای نمایندگی به ضابطان در مورد خاص هم باید پس از اعلام وقوع بزه باشد و در آن زمان و مکان بازرسی، مشخصات نماینده و حدود و مأموریت او درج گردد تا در موقع مراجعه مأموران به

* اصل بیست و پنجم: «بازرسی و نرساندن نامه ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است، مگر به حکم قانون».

محل مورد نیاز بازرسی، در صورت مطالبه صاحبخانه یا متصرف آنجا بتوانند مدرک مثبتی سیمت نمایندگی و اقدام قانونی خود را ارائه دهند. تخلف از مدلول قوانین و اقدام خارج از ضوابط قضات، موجب مسئولیت آنان است و دادسرای انتظامی قضات، متخلف را مورد پیگیری انتظامی قرار خواهد داد.

شرط دیگر نقض حریم خصوصی منزل به وسیله مأموران دولتی در ماده ۵۸۰ آن است که ورود، بدون اجازه صاحب منزل صورت گرفته باشد؛ بنابراین هرگاه صاحب منزل اجازه ورود به مأموران ندهد و مثلاً در را به روی آنها نگشاید، ورود مأموران بدون اجازه بوده، سبب نقض حریم خصوصی منزل و به تبع آن مسئولیت مأمور دولتی خواهد بود.

همچنین در ماده شش فرمان هشت ماده‌ای امام خمینی علیه السلام آمده است:

هیچ‌کس حق ندارد به خانه یا مغازه و یا محل کار شخصی کسی بدون اذن صاحب آنها وارد شود یا کسی را جلب کند، یا به نام کشف جرم یا ارتکاب گناه، تعقیب و مراقبت نماید ... یا به تلفن یا نوار ضبط صوت دیگری به نام کشف جرم یا کشف مرکز گناه گوش کند و یا ... شنود بگذارد و یا دنبال اسرار مردم باشد و تجسس از گناهان غیر نماید ... تمام اینها جرم و گناه است و بعضی از آنها چون اشاعه فحشا و گناهان از کبائر بسیار بزرگ است و مرتکبین هر یک از امور فوق مجرم و مستحق تعزیر شرعی هستند و بعضی از آنها موجب حد شرعی می‌باشد (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۷، ص ۱۴۰-۱۴۱).

۳-۵. حریم خصوصی در قانون آیین دادرسی کیفری

قانون آیین دادرسی در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ نیز مواد ذیل نقض حریم خصوصی را در فصل سوم با عنوان تفتیش و بازرسی منازل و اماکن و کشف آلات و ادوات جرم، مجاز شناخته است و در ماده ۹۶ می‌گوید: «تفتیش و بازرسی منازل، اماکن و اشیاء در مواردی به عمل می‌آید که حسب دلایل، ظن قوی به کشف متهم یا اسباب و آلات و دلایل جرم در آن محل وجود داشته باشد».

بر این اساس، در جهت کشف جرم و تحقیقات مقدماتی، ممکن است مواردی پیش آید و ضرورت‌هایی ایجاد نماید که منازل مسکونی، اماکن و اشیاء، تفتیش و بازرسی شوند. ماده ۹۶ این موارد را مشخص کرده است و مقام قضایی، زمانی مجاز به دستور

تفتیش منازل، اماکن و اشیاست که: اولاً، دلایلی برای این امر داشته باشد؛ ثانیاً، بر اساس تحقیقات پلیسی و قضایی، ظن قوی به کشف متهم یا اسباب و آلات و دلایل جرم در آن محل وجود داشته باشد و چنانچه این دو شرط فراهم نباشد، موردی برای تفتیش و بازرسی منازل، اشیا و اماکن نیز وجود نخواهد داشت.

در ماده ۹۷ آیین دادرسی در امور کیفری، قید دیگری افزوده و می‌گوید: «چنانچه تفتیش و بازرسی با حقوق اشخاص مزاحمت نماید، در صورتی مجاز است که از حقوق آنان مهم‌تر باشد».

۶. کنوانسیون‌های بین‌المللی

در این بخش، نخست به طور ویژه به بررسی کنفرانس اسلامی حقوق بشر می‌پردازیم و سپس کنوانسیون‌های دیگر بین‌المللی بررسی خواهند شد که در بحث حریم خصوصی و جریان آزاد اطلاعات بوده، ایران نیز به آن ملحق شده است.

۶-۱. اعلامیه اسلامی حقوق بشر*

آنچه در بخش‌های سه‌گانه ماده هجده اعلامیه اسلامی حقوق بشر اهمیت دارد، عبارت‌اند از:

۱. انسان به طور مطلق و به دور از تعلقات دینی و مذهبی، موضوع این ماده است.
۲. در بند دوم، حمایت از انسان‌ها در زندگی خصوصی و به طور عام در حریم خصوصی، تکلیف گردیده است. باید گفت این تکلیف بیشتر متوجه دولت‌ها می‌گردد؛ زیرا دولت‌ها باید امنیت عمومی و در نتیجه حریم خصوصی را تضمین کنند.
۳. بند سوم ماده هجده اعلامیه، به شاه‌بیت حریم خصوصی اختصاص یافته و آن مسکن افراد است. در این بند، ورود بدون اجازه از ساکنان آن ممنوع دانسته شده است و این مفهوم واقعی حریم خصوصی است که به مالک آن حریم اختصاص ندارد، بلکه به ساکنان حریم مربوط است.

این اعلامیه مورد قبول جمهوری اسلامی قرار گرفته است.

* این اعلامیه در تاریخ ۱۴ محرم ۱۴۱۱ (مطابق با ۵ اوت ۱۹۹۰م و ۱۵ مرداد ۱۳۶۹) در اجلاس وزرای امور خارجه سازمان کنفرانس اسلامی در قاهره تصویب شد.

۲-۶. اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸*

در ماده دوازدهم اعلامیه حقوق بشر می‌خوانیم:

نباید در زندگی خصوصی، امور خانوادگی، اقامتگاه یا مکاتبات هیچ‌کس مداخله‌های خودسرانه صورت گیرد یا به شرافت و آبرو و شهرت کسی حمله شود (آشوری، ۱۳۶۲، ص ۱۳۱).

ماده دوازدهم اعلامیه جهانی حقوق بشر، اقامتگاه را در ردیف مصادیق حریم خصوصی اشخاص آورده است و حکم ماده را شامل آن نیز می‌داند. اقامتگاه اشخاص، قابل تحقیق و تفحص نیست و شخص حق دارد آن را به هر کس که تمایل دارد، اعلام نماید و تکلیفی در اعلام اقامتگاه خود به دیگران ندارد، مگر آنکه برابر مقررات داخلی کشورها به اعلام تغییر در اقامتگاه، تعهد کرده باشد یا نسبت به اعلام اقامتگاه، توافق نموده باشد.

۳-۶. چند کنوانسیون بین‌المللی دیگر

در کنوانسیون‌ها و قراردادهای متعدد بین‌المللی، موضوع دفاع از حریم خصوصی، با جدیت و تعصب فراوان پیگیری شده است. در برخی موارد نیز دولت ایران - پیش از انقلاب و پس از آن - به کنوانسیون‌های مذکور ملحق گردیده است. بی‌شک مردم حق دارند از اجرای قاعده‌ای که با قانون عالی‌تر از خود مخالف است، خودداری کنند؛ برای مثال، از اجرای آیین‌نامه‌ها و تصویب‌نامه‌های مخالف قانون، امتناع ورزند یا حتی قانونی را که معارض با قانون اساسی می‌بینند، رعایت نکنند. در این فرض، اگر در دادگاهی به عنوان تجاوز از قانون، تحت تعقیب قرار گیرند، برای دفاع از خود به قانون بالاتر استناد می‌کنند. دادگاه در مقام رسیدگی به تعارض دو متن عالی و پایین‌تر، اگر دفاع را موجه ببیند، از اجرای قانون عالی حمایت می‌کند و دفاعی را که بر این پایه استوار است، می‌پذیرد (کاتوزیان، ۱۳۷۷، ص ۳۰۳).

اجرای قانون منع استفاده از تجهیزات ماهواره‌ای با برخی از اصول قانون اساسی و بسیاری از این کنوانسیون‌ها در تضاد است.

* فریدون هویدا - معاون امور خارجه و نماینده وقت ایران - در این اجلاس بوده، این سند را امضا کرده است. گفتنی است وی دکترای حقوق بین‌الملل خود را از فرانسه دریافت کرده است.

۷. بررسی قانون ممنوعیت استفاده از تجهیزات ماهواره‌ای

حفظ ارزش‌ها و هنجارهای ملی و دینی، رسالت هر دولتی با هرگونه ایدئولوژی و حتی هرگونه نظام سیاسی است. حکومت‌ها فارغ از اینکه چگونه حکومت می‌کنند، همیشه می‌کوشند ارزش‌ها و باورهای مردم خود را محافظت کنند. این رسالت نانوشته اما مقبول، در حکومت‌های ایدئولوژیک به ویژه حکومت‌های دینی پُررنگ‌تر و مهم‌تر است. جمهوری اسلامی ایران نیز در انجام این رسالت، همواره کوشا بوده، اقدامات متعددی در این باره صورت داده است؛ از جمله این اقدامات، قانون مبارزه با ماهواره است که در این بخش به بررسی و نقد آن خواهیم پرداخت. بدین‌منظور مفاد این قانون را نقادی خواهیم کرد و سپس به بررسی شیوه اجرای قانون ممنوعیت ماهواره‌ها به وسیله نیروی انتظامی خواهیم پرداخت.

۷-۱. قانون منع استفاده از ماهواره

قانون منع استفاده از تجهیزات ماهواره‌ای در یازده ماده تدوین شده است که بعدها و در روند اجرایی ماده سه و یازده این قانون، آیین‌نامه اجرایی آن در چهارده ماده به تصویب رسید و در حال حاضر، این آیین‌نامه ملاک عمل نیروی انتظامی و دیگر دستگاه‌های مرتبط در برخورد با دارندگان و استفاده‌کنندگان غیرقانونی تجهیزات دریافت از ماهواره است. این قانون در جلسه یکشنبه ۲۳ بهمن ۱۳۷۳ در مجلس تصویب شده، در تاریخ ۱۳۷۳/۱۱/۲۶ به تأیید شورای نگهبان رسیده است.

اینک به بیان و تشریح برخی مواد این قانون می‌پردازیم.

مطابق ماده ۱: «واردکنندگان، تولیدکنندگان و توزیع‌کنندگان تجهیزات دریافت از ماهواره، علاوه بر ضبط و مصادره اموال مکشوفه توسط دادگاه، به مجازات ده تا صد میلیون ریال محکوم می‌گردند».

مطابق ماده ۸ این قانون: «واردکنندگان، تولیدکنندگان و توزیع‌کنندگان تجهیزات دریافت از ماهواره، علاوه بر ضبط و مصادره اموال مکشوفه توسط دادگاه، به مجازات ده تا صد میلیون ریال محکوم می‌گردند». قانونگذار همچنین استفاده‌کنندگان از تجهیزات ماهواره‌ای را نیز مستحق مجازات دانسته، در ماده نه آورده است:

«استفاده کنندگان از تجهیزات دریافت از ماهواره، علاوه بر ضبط و مصادره اموال مکشوفه، به مجازات نقدی از یک میلیون تا سه میلیون ریال محکوم می‌گردند». به موجب ماده نُه، استفاده‌کنندگان از ماهواره، از یک میلیون تا سه میلیون ریال به جزای نقدی محکوم می‌شدند؛ ولی بعدها مجازات ناقضان این قانون، افزایش یافت و به شش ماه تا دو سال حبس و جزای نقدی معادل ده برابر ارزش کالا و تا ۷۴ ضربه شلاق رسید.

۷-۲. ابهامات قانون منع استفاده از ماهواره

از مهم‌ترین ابهامات این قانون اینکه قانونگذار تفاوتی میان استفاده‌کنندگان و دارندگان ماهواره قائل نشده است که این امر خود می‌تواند باعث ایجاد پرسش‌های زیادی شود. به طور مشخص می‌توان گفت قانونگذار مشخص نکرده است منظور از استفاده‌کنندگان، چه کسانی‌اند؟

از نگاه عرف، می‌توان گفت استفاده‌کنندگان کسانی‌اند که برنامه‌های ماهواره‌ای را تماشا می‌کنند؛ بر اساس این تفسیر که به احتمال فراوان واضعان قانون نیز همین تفسیر را مد نظر داشته‌اند، زن خانه‌داری که دستور پخت غذا را از ماهواره می‌گیرد، مجرم و مستحق ۷۴ ضربه شلاق است! یا کودکی که از ماهواره به نظاره جدیدترین انیمیشن‌های جهان می‌نشیند نیز مجرم است؛ زیرا این دو نفر از ماهواره استفاده کرده‌اند.

اگر منظور مقنن، مالک و دارنده دیش‌های ماهواره باشد، باز هم این تفسیر قابل خدشه است؛ زیرا از لفظ «استفاده‌کنندگان» این گونه می‌توان برداشت کرد که اگر کسی دارنده ماهواره است؛ ولی از آن بهره و استفاده نمی‌برد، مجرم شناخته نمی‌شود؛ زیرا قانون تصریح دارد که استفاده‌کنندگان - و نه دارندگان - مجرم تلقی می‌شوند. در این صورت، مجریان این قانون نخست باید اثبات کنند شخص از ماهواره استفاده می‌کند، آنگاه به خانه او وارد شوند! مگر آنکه تفسیر موسعی از قانون در نظر بگیرند؛ ولی باید در نظر داشت که در مسائل جزایی، نمی‌توان برای قاضی به اختیار تفسیر موسع قائل بود؛ زیرا تفسیر موسع قوانین جزایی، با اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها منافات دارد. منتسکیو (Montesquieu) از طرفداران تفسیر مضیق بوده، معتقد است قاضی بلندگوی قانون است و از زبان او نباید چیزی جز مقررات قانون خارج گردد و قضاوت نیز چیزی

جز بیان یک حکم قانونی نیست. سزار بکار یا معتقد بوده است قضات محاکم کیفری، حق ندارند قوانین جزایی را به طور موسع تفسیر نمایند و به مواردی که آشکارا در قانون پیش‌بینی نشده است، تعمیم دهند (گلدوزیان، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۲۱۶-۲۱۷).

۷-۳. نقض کنوانسیون حقوق بشر

پرسش اساسی دیگر اینکه آیا این اقدامات پلیس، نقض کنوانسیون حقوق بشر ۱۹۴۸م، اعلامیه اسلامی حقوق بشر و دیگر کنوانسیون‌های مهم جهانی و نیز اصول اسلامی نیست؟ علاوه بر این، پلیس بر اساس چه مجوزی با بالگرد بر فراز ساختمان‌ها به پرواز درمی‌آید و از حریم خصوصی افراد فیلم‌برداری می‌کند؟

نیروی انتظامی مستند و مجوز ورود خود به خانه‌های مردم را حکم قاضی عنوان می‌کند و این‌گونه استدلال می‌کند که پشت بام آپارتمان‌ها و راه پله‌ها جزء مشاعات است. بر این استدلال نیروی انتظامی، نقدهای بسیاری وارد شده است. اکثر کارشناسان حقوقی معتقدند مشاعات ملک خصوصی، فقط برای مالکان آپارتمان است و محلی مشاع برای ورود غیرمالکان محسوب نمی‌شود و اینکه پلیس برای ورود به هر پشت بام، نیازمند دستور قضایی خاص برای همان پشت بام است.

ماده پانزده قانون آیین دادرسی کیفری صرفاً تنها ضابط قوه قضائیه است و حتی برای جرایم مشکوک نیز به حکم قضایی نیاز دارد و بدون مجوز چنین حقی ندارد.* بعضی دادستانی‌ها هنگام صدور حکم، حکم ورود به همه ساختمان‌های

* ماده ۱۵: ضابطین دادگستری مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات مقام قضایی در کشف جرم و بازجویی مقدماتی و حفظ آثار و دلایل جرم و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم و ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی به موجب قانون اقدام می‌نمایند و عبارت اند از:

۱. نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران
۲. رؤسا و معاونین زندان نسبت به امور مربوط به زندانیان
۳. مأمورین نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که به موجب قوانین خاص و در محدوده وظایف محوله ضابط دادگستری محسوب می‌شوند
۴. سایر نیروهای مسلح در مواردی که شورای عالی امنیت ملی تمام یا برخی از وظایف ضابط بودن نیروی انتظامی را به آنان محول کند
۵. مقامات و مأمورینی که به موجب قوانین خاص در حدود وظایف محوله ضابط دادگستری محسوب می‌شوند

کوچه را صادر می‌کنند، در صورتی که چنین حکمی به هیچ عنوان جنبه قانونی ندارد و حکم ورود به منزل، حتماً و یقیناً باید موردی و برای هر منزل جداگانه صادر شود (خالقی، ۱۳۸۹، ص ۶۸).

۷-۴. ایراد و پاسخ

ممکن است گفته شود اصل وجوب حریم خصوصی تخصیص خورده است و یکی از مشخصات آن، مواردی است که با اخلاق و نظم عمومی در تعارض می‌باشد، یا اینکه دولت وظیفه دارد با فضای مسموم مجازی مقابله کرده، به حمایت از مردم بپردازد یا اینکه از باب نشر کتب ضلال، باید جلوی آن گرفته شود. در پاسخ باید گفت برای صیانت از اخلاق عمومی، لازم است شبکه‌های تولید و پخش برنامه‌های دینی و اخلاقی در برابر برنامه‌های ضددینی و مانند آن ایجاد شوند. ضمن آنکه استدلال مذکور در مواردی صادق است که اولاً، جرم محرز باشد؛ ثانیاً، مجرم نیز باید مشخص و معین باشد که فلان شخص با فلان مشخصات و در فلان مکان، جرم مشخصی مرتکب شده است؛ ولی در اینجا همه این موارد - از جرم تا مجرم - دچار ابهامات متعددی است؛ به گونه‌ای که نه جرم کاملاً مشهود و مشخص بوده، نه مجرم به طور مسلم معلوم است.

۸. دوجبه‌ی بودن استفاده از ماهواره (آلات مشترکه)

همه آلاتی را که مورد استفاده انسان قرار می‌گیرد، به سه قسمت می‌توان تقسیم کرد:

۱. آلاتی که فقط منافع محله دارند؛

۲. آلاتی که فقط منافع محرمه دارند؛

۳. آلاتی که منفعی مشترک میان محله و محرمه دارند.

آلات مشترکه به ابزاری می‌گویند که افزون بر منافع حرام نزد عقلا، دارای منافع حلال قابل اعتنا و نیز مورد استفاده باشد و نزد عرف از آلات حرام شمرده نشود. آلات مشترکه از عناوین جدید است که فقیهان معاصر آن را در مورد وسایلی همچون رادیو،

تبصره: گزارش ضابطین در صورتی معتبر است که موثق و مورد اعتماد قاضی باشد.

ضبط صوت، تلویزیون، ویدیو، رایانه و ماهواره در باب تجارت به کار برده‌اند. بحث از این گونه آلات، به عنوان بحث مستقل و مجزا و در باب خاص و مشخصی در کتب فقها ذکر نشده است و فقط امام خمینی در کتاب *المکاسب‌المحرمة*، بحثی با این عنوان دارند: «ما يقصد منه المنفعة المحرمة، فيما إذا كان لشيء منفعة محرمة و محللة، كأواني الذهب والفضة» (خمینی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۱۷۴)؛ ولی فقهای دیگر، این بحث را در لابه‌لای مباحث آلات مخصوص به منافع حرام بحث کرده‌اند و مرحوم سیدصادق روحانی در کتاب *منهاج الفقاهه* به طور محسوس‌تر در ذیل عنوان آلات قمار، به بحث در این باره پرداخته‌اند (روحانی، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۱۸۰).

آلات مشترکه به لوازم و ابزاری گفته می‌شود که «دو گونه کاربرد» متفاوت داشته باشد و همان‌گونه که می‌توان آن را برای اغراض حلال به کار برد، آن را برای اغراض حرام نیز می‌توان به کار گرفت (خویی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۴/ همو، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۲۸۳/ تبریزی، ۱۴۲۷، ج ۸، ص ۵/ صافی گلپایگانی، ۱۴۱۳، ص ۱۶۰). اکثر امکانات و وسایلی که امروزه در زندگی بشر به کار گرفته می‌شود، از آلات مشترکه‌اند؛ مثلاً سیستم‌های صوتی از آلات مشترکه و دارای کاربردهای گوناگون‌اند. این‌گونه آلات، در واقع به لحاظ ارزشی، خنثی بوده، نمی‌توان ذات آنها را پلید دانست. فقها ابزارهای مدرن مانند رادیو، تلویزیون، ضبط صوت، ویدئو و اینترنت را از آلات مشترکه دانسته‌اند. آیت‌الله محمد سروش محلاتی در درس خارج و ذیل باب «دولت و ابزارهای الزام به شریعت» و ذیل مبحث تحریم رسانه‌های حلال، به این موضوع پرداخته‌اند که مطالب آتی با اندکی اضافات و تصحیح منابع، از مقاله ایشان نقل می‌شود که درباره این‌گونه آلات، فقها چنین نظر داده‌اند:

۱. استفاده مباح از آنها جایز بوده و استفاده حرام از آنها جایز نیست؛ یعنی حکم کلی درباره حلال یا حرام‌بودن این امکانات وجود ندارد؛ مثلاً نمی‌توان گفت رادیو یا اینترنت حلال یا حرام است. در حقیقت بر خود این موضوعات حکمی تعلق نمی‌گیرد و حکم به «نحوه استفاده ما» مربوط می‌شود. از این رو، آیت‌الله بهجت در پاسخ به این پرسش که «استفاده از اینترنت چه حکمی دارد؟» فرموده‌اند: «تابع نحوه استفاده از آن است» (بهجت، ۱۴۲۸، ج ۳، ص ۲۲۱).

۲. تفکیک آلات مختص به حرام از آلات مشترکه، به نظر و تشخیص خود مردم (عرف)

بستگی دارد؛ همان‌گونه که محقق نراقی درباره آلات لهو، تصریح کرده است: «المراد بآلة اللهو ما يتخذ للهو و يصدق عليه عرفاً أنه آلة للهو» (نراقی، ۱۴۱۵، ج ۱۸، ص ۱۶۵). از این رو، دولت نمی‌تواند در جایگاه مرجعیت برای تشخیص قرار گرفته و جای عرف را بگیرد و حتی اگر تشخیص به تخصص و کارشناسی نیاز داشته باشد، باز هم عرف خاص آن را بر عهده دارد (محلاتی، [بی‌تا]، ص ۱). آیت‌الله خوئی بر این اساس فتوا می‌داد که اگر تلویزیون به نظر عرف، از آلات لهو باشد، خرید و فروش و استعمال آن جایز نیست: «أما التلفزيون فإن عدّه "عرفاً" من آلات اللهو، فلا يجوز بيعه و لا استعماله» (خوئی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۴) و وقتی از آن مرجع بزرگ پرسیدند: «در صورتی که تشخیص عرف، مختلف باشد و نظرات متفاوتی در این باره اظهار شود، چه باید کرد؟» فرمود: «با شک در آلت لهو بودن، مانعی وجود ندارد» (همو، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۲۸۲).

۳. بسیاری از فقها جواز تهیه و نگهداری آلات مشترکه را مشروط به قصد شخص کرده‌اند و گفته‌اند: اگر قصد استفاده خلاف شرع وجود نداشته باشد، جایز است. نظر صاحب جواهر این است که اگر چیزی دارای دو گونه استفاده حلال و حرام باشد، حکم آن دایرمدار کیفیت قصد از آن است: «ولو فرض ان للشيء منفعتين مقصودتين احدهما محلله والأخرى محرمة دارالحکم مدارالقصد» (صاحب جواهر، ۱۴۰۴، ج ۲۲، ص ۲۶۲-۲۵).

همچنین شیخ انصاری، صیقل‌دهنده این مباحث در کتاب مکاسب و در بیان انواع کسب‌های حرام و ذیل عنوان فروش انگور برای شراب‌سازی، پس از ذکر ادله و ابعاد مسئله، در نهایت بیان می‌دارد:

بیع هر کالایی که دارای منفعت حلال است (مانند چاقو یا انگور)، اگر به شرط مصرف در حرام (مانند کشتن مسلمان یا درست کردن شراب) فروخته شود، حرام است؛ زیرا فروشنده با فروختن، منفعت را به حرام منحصر می‌کند؛ ولی اگر قصد او از فروش انگور، منفعت حرام آن نباشد و منفعت حلال مقصود باشد، حتی اگر آن را به کسی بفروشد که او از آن شراب درست می‌کند، بیع او صحیح است (انصاری، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۱۲۵-۱۲۶).

حتی به نظر آیت‌الله میرزا جواد تبریزی، فروشنده ماهواره و تعمیرکاری که می‌داند ماهواره مورد استفاده حرام قرار می‌گیرد، در صورتی که قصد خود آنها - فروشنده و تعمیرکار - چنین نباشد، کارشان مجاز است (تبریزی، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۲۶۶).

از مجموع مباحثی که مطرح شد، می‌توان به این نتیجه رسید که اگر آلتی دارای منافع مشترکی باشد، بیع آن تابع قصد از آن است که اگر آن را به قصد منافع محلله آن بفروشد، حلال و اگر آن را به قصد منافع محرمه آن بفروشد، حرام است.

علاوه بر اینکه می‌توان گفت عملاً فقها در مباحث خود درباره این مسئله همین‌گونه عمل کرده‌اند؛ به طور مثال، در مسئله پیکرهای ساخته‌شده برای عبادت (هیاکل العبادة المبتدعه)، فقها تفصیل قائل شده‌اند میان موردی که منافع آن منحصر در عبادت حرام باشد یا اینکه منافع دیگری همچون تزئین داشته باشد که مرحوم روحانی در *منهاج الفقاهة* (روحانی، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۱۶۸-۱۷۳) و شیخ انصاری در مکاسب (انصاری، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۱۱۱-۱۱۴) بدان پرداخته‌اند، یا تفصیلی که امام خمینی در مسئله بیع هیاکل العبادة المبتدعه مطرح کردند که معامله با هدف حرامی انجام شود یا حرامی بر آن مترتب شود یا حرامی در کار نباشد (خمینی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۱۷۲-۱۷۳) یا تفصیلی که مرحوم شیخ انصاری در *أوانی ذهب و فضة* (ظروف طلا و نقره)، در مورد معامله هیئت و ماده و مجموع آن قائل شده‌اند (انصاری، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۱۱۸)، همه از همین معنا حکایت دارد که میان منافع محلله یک چیز و منافع محرمه آن، تفاوت وجود دارد و هیچ منعی در منافع محلله نیست.

بر اساس موازین روشن فقهی، چون آلات مشترکه از نظر مالیت دارای ارزش بوده و شرع نیز مالیت آنها را پذیرفته است؛ بنابراین از میان‌بردن و آسیب‌رساندن به آنها ممنوع بوده، ضمان‌آور است و حتی به بهانه نهی از منکر نمی‌توان آنها را تخریب و نابود ساخت، بلکه فقط می‌توان از استفاده‌های حرام نهی کرد.

نتیجه اینکه مواردی که در ذیل گفته می‌شود، با فتاوی فقها و مبانی فقهی ناسازگار است و دین نه تنها این‌گونه برخوردها را تأیید نمی‌کند، بلکه آن را تخطئه و محکوم می‌نماید (محلاتی، [بی‌تا]، ص ۲):

الف) اعمال محدودیت نسبت به عرضه و استفاده از آلات مشترکه؛

ب) برخورد با استفاده‌کنندگان و کاربران بر مبنای نیت‌خوانی؛

ج) ورود به حریم خصوصی شهروندان و تجسس از زندگی شخصی آنان برای آگاهی از نوع کاربرد این آلات.

بسیاری از موضوعات نوپیدا و جدید در حوزه فرهنگ، اقتصاد و... موضوعاتی اند که مقلد خود حکم شرعی کلی آن را از مرجع تقلید خود می‌گیرد و مصادیق آن پدیده‌های جدید را با آن حکم شرعی تطبیق می‌دهد؛ زیرا درباره این مصادیق، اطلاعات مقلد بیشتر است و او چگونگی استفاده از آن را بهتر می‌داند. در چنین مواردی طبق نظر برخی مراجع (خویی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۴/ نراقی، ۱۴۱۵، ج ۱۸، ص ۱۶۵)، حکم تابع چگونگی استفاده است. البته عرف مؤمنان مورد توجه قرار می‌گیرد و بر اساس آن، حکم ابزار مشخص می‌شود؛ مثلاً «ماهواره» یک پدیده نوظهور است و حلال و حرام بودن آن، مسئله جدید تلقی می‌شود؛ ولی آیا واقعاً در این باره، مجتهد به فحص در کتاب و سنت می‌پردازد تا با روشنی یا کنایه، چیزی درباره ماهواره بیابد تا بگوییم این فحص و کاوش، کاری صددرصد تخصصی است و از غیرمجتهد بر نمی‌آید؟ هرگز! زیرا ماهواره از نقطه نظر فقهی، یک موضوع جدید نیست. فقیه وقتی درباره ماهواره اظهار نظر می‌کند، بر این مبناست که «هرچه موجب فساد است، خرید و فروش آن حرام است». فقیه این حکم را بر مصداق جدید تطبیق می‌دهد و ماهواره را چون ابزار فساد دانسته، به حرمت آن فتوا می‌دهد. با توجه به آنچه مطلعان می‌گویند، برنامه‌های ماهواره اکثراً باعث شیوع فحشا و منکر، مخصوصاً در نسل جوان می‌شود؛ بنابراین خرید و فروش و نصب آنتن‌های ماهواره‌ای جایز نیست (لنکرانی، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۲۴۶). در همین تطبیق بر مصداق، ممکن است فقیه دیگر به نتیجه دیگری برسد که چون خرید و فروش آلات مشترکه که کاربرد حلال و حرام دارد، بلامانع است؛ پس خرید و فروش ماهواره حرام نیست و در واقع خرید و فروش و استفاده از ماهواره، اشکال ندارد (صافی گلپایگانی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۲۸۶).

درست است که در هر دو اظهار نظر، ظاهراً مجتهد به حرمت یا حلیت ماهواره فتوا داده است؛ ولی در حقیقت هیچ فتوایی در این باره صادر نشده، مجتهد فقط درباره یک مصداق اظهار نظر کرده است. طبق اظهار نظر اول: «ماهواره غالباً برای فساد به کار می‌رود» و اظهار نظر دوم اینکه: «ماهواره ابزاری با دو کاربرد خوب و بد است»؛ اینک می‌توان پرسید آیا این دو گزاره، در قلمرو فقه قرار دارد و برای داوری درباره آن به قدرت استنباط نیاز است؟ یعنی فقط کسی که در فهم کتاب و سنت تخصص می‌یابد،

می‌تواند درباره کاربرد ماهواره در دنیای امروز اظهار نظر کند؟! آیا عقل سلیم اجازه می‌دهد انسانی که خود از کاربردهای ماهواره در علوم گوناگون و از آثار آن در زندگی اجتماعی و رفتارهای اخلاقی آگاهی دارد، مقلدانه از کسی تبعیت کند که در این باره اطلاعات کمتری دارد؟ در چنین مسائلی، فقیه فقط حکم کلی را بیان می‌کند که حکم ابزار مشرکه چیست و سپس مقلدان بر اساس تشخیص خود از ابزار گوناگون همچون اینترنت یا ماهواره یا آلات موسیقی، داوری می‌کنند که آیا این آلات، مختص به فسادند تا حرام باشند، یا مشترک‌اند تا حلال باشند (محلاتی، [بی‌تا]، ص ۲).

آیت‌الله سروش محلاتی در پایان بحث از آلات مشترکه، ذیل عنوان تحریم رسانه‌های حلال، ذکر دو نکته را ضروری می‌داند و می‌نویسد:

نکته اول، آن است که فقها گاه درباره مصادیق آلات مشترکه نیز نظر می‌دهند؛ مثلاً می‌گویند رادیو از آلات مشترکه هست یا نیست. بی‌شک این‌گونه اظهارات، غالباً خارج از استنباط فقهی است و نباید به آنها به عنوان فتوا نگاه کرد و برای آن اعتباری از نوع اعتبار فتوای مفتیان برای مقلدان قائل شد؛ زیرا وظیفه فقیه، استنباط احکام کلی است و این اظهارات، برخاسته از دید اجتماعی فقیه و تابع اطلاعات غیرفقهی اوست و به طور دائم در معرض تغییر و تحول است؛ مثلاً در آغاز نظر به حرمت رادیو داده می‌شد، چون آلت لهو است؛ ولی بعداً آن را از آلات مشترکه شمردند که برای منافع حلال قابل استفاده است؛ ولی تا مدت‌ها نسبت به تلویزیون همان نگاه منفی وجود داشت تا اینکه آیت‌الله خویی با اما و اگر آن را به تشخیص عرف موکول کرد و شخصاً از نظر درباره آن طفره رفت؛ ولی آیت‌الله تبریزی جرئت به خرج داد و آن را در ردیف ضبط صوت از آلات مشترکه دانست؛ اما باز هم حکم به حلیت ویدئو داده نمی‌شد تا اینکه آیت‌الله سیستانی در رساله توضیح المسائل خود، ویدئو را نیز به آنها افزود و سپس آیت‌الله منتظری تصریح کرد که ماهواره نیز همچون دیگر رسانه‌های جمعی و رادیو، تلویزیون و اینترنت است که بهره‌برداری حلال از آن اشکال ندارد (نجف‌آبادی، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۳۲۴).

مروری بر نظرات فقها درباره ابزارهای نو و وسایل جدید، حکایت از نوعی برخورد محتاطانه و همراه با نگرانی دارد.

نکته دوم، آنکه دولت اسلامی ممکن است با این استدلال که رعایت مصلحت عامه بر عهده اوست، از برخی آلات مشترکه جلوگیری نماید و آنها را ممنوع اعلام کند. این استدلال از نظر اصولی معقول است؛ ولی در صورتی پذیرفته می‌شود که در چهارچوب خاص آن صورت گیرد؛ مثلاً برای این کار باید از نظرات کارشناسان امور فرهنگی و امور اجتماعی استفاده شود و مورد تأیید انسان‌های آزاداندیش باشد؛ ولی اگر فقط به استناد نظرات نیروهای امنیتی حاکمیت انجام گیرد و در جهت بی‌خبر نگاه‌داشتن شهروندان از واقعیت‌های جامعه خود و محروم کردن آنان از دسترسی آزاد به اطلاعات و تأثیرگذار شدن بر رأی آنان رخ دهد، قابل قبول نیست. در چنین شرایطی، مصلحت فقط بهانه‌ای برای محدود کردن کاربران است، در حالی که جلوگیری از گردش آزاد اطلاعات، مفسده‌ای است که مفسد فراوان دیگری همچون استبداد سیاسی و فساد اقتصادی را به دنبال می‌آورد. البته در این فرض، مقررات مصلحت‌اندیشانه دولت برای اعمال محدودیت در دسترسی به رسانه‌ها که از آلات مشترکه‌اند، فاقد اعتبار شرعی خواهد بود (محلاتی، [بی‌تا]، ص ۲).

فتوای رهبری درباره ماهواره با توجه به بحث آلات مشترکه بودن ماهواره دو بُعدی بودن استفاده از ماهواره است. ماهواره ابزاری است که استفاده مثبت و منفی از آن به طور همزمان امکان‌پذیر است؛ بنابراین صرف داشتن ماهواره، دلیلی بر ارتکاب جرم به وسیله فرد نیست. از این رو، رهبر معظم انقلاب در فتوایی به این مهم اشاره کرده‌اند و استفاده از جنبه مثبت برنامه‌های ماهواره‌ای را بلاشکال دانسته‌اند (خامنه‌ای، ۱۳۷۹، ص ۲۶۵). بر اساس این فتوا باید گفت ورود به خانه مردم به معنای فرض استفاده اکثر مردم از جنبه‌های منفی برنامه‌های ماهواره‌ای است و می‌دانیم که تهمت زدن به افراد، پیامدهای شرعی، قانونی و عرفی آشکاری دارد؛ تا آنجا که حتی در شرع و قانون برای آن حد مشخصی عنوان شده است.

در قانون آیین دادرسی کیفری، حتی چگونگی ورود به منزل نیز به طور کامل تشریح شده است که باعث رعب و وحشت ساکنان دیگر نشود. در صورتی که گزارش‌های رسیده از این اقدامات نیروی انتظامی، حاکی از آن است که پس از برداشتن دیش‌های ماهواره، آن را از بالای آپارتمان‌های چندین طبقه به کف خیابان

می‌اندازند که حتی تصور آن هم مذموم و ناپسند است؛ چه برسد به دیدن آن. در نهایت، توجه به این امر کاملاً ضروری به نظر می‌رسد که وقتی عملی جنبه عمومی یافت، نمی‌توان به راحتی همه افرادی را که از این عمل بهره می‌برند، مجرم خواند. به گفته مسئولان و مطلعان دستگاه‌های نظارتی و اجرایی، بیش از هفتاد درصد مردم تهران از ماهواره استفاده می‌کنند و این گفته، مهر تأییدی بر مدعای ماست و اینکه استفاده از ماهواره دست‌کم در تهران جنبه عمومی یافته است.

۹. مبارزه فرهنگی با ماهواره

با توجه به محذورات قانونی، شرعی و عرفی که روش سخت مبارزه با ماهواره به دنبال دارد، این پژوهش پیشنهاد نوعی روش نرم و در واقع مبارزه فرهنگی با ماهواره دارد. روایات بسیاری از امامان علیهم‌السلام وارد شده است که آنان با اخلاق نرم و نیکو حتی در برابر غیرمسلمانان با مفاصد بزرگی مبارزه کرده‌اند و استفاده از روش‌های سخت، همیشه آخرین راه در سیره امامان معصوم علیهم‌السلام بوده است. این روش از قرآن برگرفته شده است که می‌فرماید:

أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ ...: با حکمت و اندرز نیکو، به راه پروردگارت دعوت نما! و با آنها به روشی که نیکوتر است، استدلال و مناظره کن! پروردگارت از هر کسی بهتر می‌داند چه کسی از راه او گمراه شده است و او به هدایت‌یافتگان، داناتر است (نحل: ۱۲۵).

شیوه‌های دعوت مطابق آیه: «حکمت»، «موعظه حسنه» و «جدال احسن» است. اعتقاد و باور از جنس اندیشه است و نمی‌توان اندیشه‌ای را به زور به دیگران تحمیل کرد؛ به ویژه اکنون که رفتار دولت علیه اسلامی زیر ذره‌بین دول استکباری مخالف اسلام قرار دارد، هر گونه رفتاری در قبال مسائل اعتقادی و فرهنگی، مورد توجه آنان واقع می‌شود و اشتباه‌های کوچک چنان بزرگ‌نمایی می‌گردد که ثمرات کار را نابود می‌سازد و هزینه‌های سنگین فرهنگی و سیاسی به ویژه در درازمدت به دنبال می‌آورد.

از مهم‌ترین وظایف هر شخص مسلمان و دولت اسلامی، تبلیغ دین، رساندن پیغام دین به مردم دیگر و دفاع مستدل و متین از دین است. تبلیغ و دفاع نرم از دین،

وظیفه‌ای فرهنگی است که در سیره پیامبر گرامی اسلام ﷺ، در فقه و در کلام می‌توان مواردی از آن را مشاهده کرد؛ به عنوان مثال، نامه‌های پیامبر ﷺ به سران کشورها، اقوام و ادیان، از جمله این نمونه‌ها در سیره ایشان است.* قاعده امان در فقه نیز کاربردهای فرهنگی بسیاری دارد. قرآن می‌فرماید:

وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ: اگر کسی از مشرکان پناه خواست، به او پناه بده تا کلام خدا را بشنود! آنگاه او را به جایی که در امان است، برسان! (توبه: ۶).

مفسران، ذیل این آیه بر عنصر آگاهی در هدایت و گزینش راه مستقیم تأکید کرده‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۹، ص ۱۵۳-۱۵۵ / مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۲۹۳) که لازمه قطعی آن، فعالیت فرهنگی در جهت افزایش دانش و آگاهی مردم از شریعت الهی است و فقیهان نیز با استناد به این آیه، شرایط قاعده امان و شیوه تعامل فرهنگی با مشرکان را تبیین کرده‌اند (ابن‌براج، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۳۰۵ / حلی، ۱۴۱۴، ج ۹، ص ۹۰). تاریخ کلام شیعه نیز سرشار از اقدامات فرهنگی امامان شیعه به ویژه امام باقر ﷺ و امام صادق ﷺ و شاگردان و یاران آنان در راه تبلیغ و دفاع از دین است. مناظرات امام صادق ﷺ با ابن‌ابی‌الوجاء و گفت‌وگوی امام رضا ﷺ با سران ادیان و اقوام، از معروف‌ترین نمونه‌های این اقدامات و گواه روشن ادعای این تحقیق است که تفصیل آن از عهده این پژوهش بیرون است.

بر این اساس، بهتر است برای مبارزه با ماهواره، از خود ماهواره کمک گرفت. به جای رفتار منفعلانه در برابر برنامه‌های تولیدی و مبارزه با استفاده‌کننده از ماهواره، باید روش‌های فعال و تهاجمی فرهنگی در پیش گرفت و به مبارزه با گردانندگان و به ویژه برنامه‌های تولیدی شبکه‌های ماهواره‌ای رفت:

وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ... هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آنها [دشمنان]، آماده سازید! و [همچنین] اسب‌های ورزیده [برای میدان نبرد]، تا به وسیله آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید!... (انفال: ۶۰).

* رهبر کبیر انقلاب اسلام این سیره پیامبر ﷺ را در نوشتن نامه به رهبر شوروی ادامه دادند. همچنین رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز در نامه‌هایی که خطاب به جوانان اروپایی نگاشته‌اند، از این سیره پیروی کردند که می‌تواند چراغ راه مسئولان کشور در این باره باشد.

ماهواره ابزاری رسانه‌ای است که می‌توان از آن بهره گرفت و افکار، اندیشه‌ها و باورهای دینی را به سراسر جهان ارسال کرد؛ ولی این کار به برنامه‌ریزی و بسیج همه امکانات فرهنگی کشور اسلامی نیازمند است. باید طراحی ویژه ماهواره‌ای انجام شود و برنامه‌هایی در جهت مبارزه با برنامه‌های ماهواره‌ای ترسیم گردد. هر برنامه‌ساز ماهواره‌ای که علیه اسلام و جمهوری اسلامی برنامه‌سازی می‌کند، باید بداند که رفتار او زیر ذره‌بین شبکه‌های ماهواره‌ای داخل کشور است. در مقابل هر برنامه‌آنان، باید در درون کشور برنامه‌ای منتقد ساخته شود. باید فرض کرد هر فعل آنان نوعی منکر است و در مقابل، به شیوه درست برنامه‌ای به هدف نهی از منکر ساخت. مردم باید تبعات استفاده از برنامه‌های مخرب ماهواره‌ای را در قالب آثار هنری و سینمایی و بسته‌های فرهنگی مشاهده کنند، نه اینکه فقط سخنرانی بشنوند که کمترین تأثیر را به دنبال دارد.

البته این اقدامات، هزینه‌های اقتصادی فراوانی دارد و ممکن است اثر زودبازده نداشته باشد یا آثار آن بسیار کند باشد؛ ولی بهتر است هزینه اقتصادی انجام شود تا از هزینه‌های سیاسی و فرهنگی مبارزه با اثرات مخرب ماهواره کاسته شود و بهتر است در کار فرهنگی بسیار صبور بود. نباید فراموش کرد که پیامبر گرامی اسلام ﷺ با تک‌تک افراد گفت و گو می‌کرد و با صبوری بسیار آنان را به کیش حق فرا می‌خواند. پیروان آن حضرت باید همان راهی را در پیش گیرند که او پیش پای آنان نهاده است؛ صبوری، اخلاص و استفاده از بهترین و مناسب‌ترین روش‌های متناسب با روح زمانه.

نتیجه

بر مبنای اصول شریعت، دولت اسلامی، حق و بلکه وظیفه دارد برای اجرای قوانین اقدام نماید و از آن جمله نسبت به اجرای احکام دینی نیز اهتمام داشته باشد؛ ولی در جهت انجام این وظیفه و برای روشن شدن این امر که در کجا و چگونه باید دخالت کند، به اصول دیگری نیاز است؛ این اصول را که به شیوه‌ها و روش‌ها مربوط می‌شود «اصول ثانویه» می‌نامند. اصول ثانویه که به «مرحله اجرا» ناظر است، دخالت دولت را در این باره محدود می‌کند و فقط او را در «موارد خاص» و برای به کارگیری «روش‌های خاص» مجاز به اعمال قدرت می‌داند. با توجه به این اصول و با توجه به

موازنه فقهی و حقوقی، نتایج ذیل حاصل می‌شود:

۱. تشخیص نیت‌ها بر عهده دولت‌ها نیست، از این رو دولت نمی‌تواند درباره رفتارهایی که خوب یا بد بودن آنها به نوع نیت شهروندان مشروط است، دخالت کند؛ مثلاً دولت نمی‌تواند با برخی رفتارها صرفاً به این دلیل که «قصد شهروندان» را خوانده، آن را خلاف دانسته است - درحالی که دلیلی برای اثبات ندارد - برخورد کند.
۲. قانون در بحث ورود به حریم خصوصی، از شفافیت کافی برخوردار است و باید تفسیرهای برداشت‌شده از قانون با روح قانون، عرف و از همه مهم‌تر با شرع مقدس، همسو، هم‌جهت و مطابق باشد.
۳. با توجه به اینکه ورود به حریم خصوصی و زندگی شخصی شهروندان ممنوع است، دولت نمی‌تواند درباره رفتارهایی که خلاف بودن آنها به تجسس از شهروندان نیاز دارد، دخالت کند.
۴. قانون منع استفاده از ماهواره، با چالش‌های نظری و عملی متعددی روبه‌روست و در مواردی در برخورد با قوانین مالکیت، حریم خصوصی، عرض و آبروی افراد و... به حساب می‌آید. در این تناقض باید یکی را انتخاب کرد؛ یا به جمع‌آوری دیش‌های ماهواره ادامه داد و حریم خصوصی افراد را نقض کرد، یا از این اقدام دست‌شست و تصمیم دیگری گرفت. علاوه بر این، متأسفانه نظارت کافی بر چگونگی اجرای قانون ممنوعیت استفاده از تجهیزات ماهواره‌ای به وسیله نیروی انتظامی صورت نگرفته است و به نوعی باعث هرج و مرج در جامعه شده، انتقادهای زیادی را از سوی شهروندان به دنبال داشته است. این نوشتار راه دوم را به مسئولان و مجریان قانون و شریعت پیشنهاد می‌دهد.
۵. نمی‌توان مقابل گستره عظیم تکنولوژی ایستاد و با آن به مقابله پرداخت. ضمن اینکه با گذشت زمان و پیشرفت تکنولوژی، امروزه امکان دریافت شبکه‌های ماهواره‌ای به وسیله گوشی‌های تلفن همراه، به راحتی میسر شده است. اگر در راه سوی امواج رسانه‌ای ببندیم، از پنجره وارد می‌شود و اگر پنجره‌ها را ببندیم، راه تنفس ملت را خواهیم بست؛ ولی در همان حال، امواج ماهواره از دریچه و روزنه دیگری وارد خواهد شد. دولتی که به ملت خود ایمان دارد، او را چونان کودکان امر و نهی نمی‌کند و حکومتی که از تعهد و درستکاری خویش مطمئن است، راه آگاهی ملت خویش را مسدود نمی‌سازد.
۶. با توجه به نتایج پیش‌گفته، دخالت دولت در رفتار شهروندان، به موارد ذیل محدود

می‌شود: اولاً، رفتار مورد نظر با صرف نظر از قصد و انگیزه آن، جرم بوده، قابل پیگیری و برخورد باشد؛ ثانیاً، رفتار مورد نظر، علنی و آشکار باشد و بدون تجسس در برابر دیدگان دیگران قرار داشته باشد. یکی از نتایج این مبنا آن است که از نظر شرعی نمی‌توان با کسانی که از «آلات مشترکه» استفاده می‌کنند، برخورد کرد.

از دیدگاه این پژوهش، بسیاری از برنامه‌های ماهواره، اثرات مخرب فرهنگی و سیاسی به دنبال دارد و از دیدگاه فقه اسلامی، منکر محسوب می‌شود که مبارزه با آن واجب است؛ ولی با توجه به پیامدهای سنگین مبارزه فیزیکی با معضل ماهواره، بهترین و مؤثرترین راه، مبارزه فرهنگی با این پدیده است. به عبارت دیگر، باید از ماهواره علیه ماهواره استفاده کرد.

منابع

- * قرآن کریم.
- ** نهج البلاغه؛ ترجمه محمد دشتی؛ انتشارات علامه، ۱۳۷۹.
۱. ابن براج طرابلسی، عبدالعزیز؛ المهذب؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۶ق.
 ۲. آشتیانی، میرزا محمد حسن بن جعفر؛ القواعد الفقهية (بحر الفوائد)؛ قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۳ق.
 ۳. آشوری، داریوش؛ دانشنامه سیاسی؛ تهران: انتشارات سهروردی و مروارید، ۱۳۶۲.
 ۴. انصاری، باقر؛ حقوق حریم خصوصی؛ تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۶.
 ۵. انصاری، مرتضی بن محمد امین؛ مکاسب؛ قم: انتشارات کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ۱۴۱۵ق.
 ۶. بهجت، محمد تقی؛ استفتائات؛ قم: انتشارات دفتر حضرت آیت الله بهجت، ۱۴۲۸ق.
 ۷. تبریزی، جواد بن علی؛ استفتائات جدید؛ قم: [بی نا]، [بی تا].
 ۸. —؛ صراط النجاة؛ قم: انتشارات دارالصدیقة الشهيدة، ۱۴۲۷ق.
 ۹. حرّ عاملی، محمد بن حسن؛ وسائل الشیعة؛ قم: انتشارات مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ق.
 ۱۰. حسینی مراغی، سید میر عبدالفتاح بن علی؛ العناوین الفقهیة؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق.
 ۱۱. حسینی حائری، سید کاظم؛ ولایة الأمر فی عصر الغیبة؛ قم: انتشارات مجمع اندیشه اسلامی، ۱۴۲۴ق.

۱۲. حلی (علامه حلی)، حسن بن یوسف؛ تذکرة الفقهاء؛ قم: انتشارات مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۴ق.
۱۳. حمیری، عبدالله بن جعفر؛ قرب الأسناد؛ قم: انتشارات مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۳ق.
۱۴. حویزی، عبدعلی؛ تفسیر نورالثقلین؛ قم: انتشارات اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق.
۱۵. خالقی، علی؛ آیین دادرسی کیفری؛ تهران: انتشارات شهر دانش، ۱۳۸۹.
۱۶. خامنه‌ای، سیدعلی؛ أجوبة الإستفتائات (ترجمه فارسی)؛ تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۹.
۱۷. خمینی، سیدروح الله؛ المكاسب المحرمة؛ قم: انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۱۵ق.
۱۸. —؛ صحیفه امام؛ تهران: انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸.
۱۹. —؛ کتاب البیع؛ تهران: انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۲۱ق.
۲۰. خویی، سیدابوالقاسم؛ صراط النجاة (المحشی للخوئی)؛ قم: انتشارات مکتب نشرالمنتخب، ۱۴۱۶ق.
۲۱. —؛ مصباح الفقاهة (المکاسب)؛ [بی جا]: [بی نا]، [بی تا].
۲۲. —؛ منهاج الصالحین؛ قم: نشر مدینه العلم، ۱۴۱۰ق.
۲۳. روحانی، محمدصادق؛ منهاج الفقاهة؛ قم: انتشارات انوار الهدی، ۱۴۲۹ق.
۲۴. شهید ثانی، زین الدین بن علی؛ رسائل الشهيد الثاني؛ قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۲۱ق.
۲۵. صاحب جواهر، محمدحسن بن باقر؛ جواهرالکلام فی شرح شرائع الإسلام؛ بیروت: انتشارات دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۴ق.
۲۶. صافی گلپایگانی، لطف الله؛ جامع الأحکام؛ قم: انتشارات حضرت معصومه، ۱۴۱۷ق.
۲۷. صدوق، محمد بن علی؛ من لا یحضره الفقیه؛ قم: انتشارات مؤسسه نشر اسلامی،

۲۸. طباطبایی، سیدمحمدحسین؛ المیزان فی تفسیرالقرآن؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق.
۲۹. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر؛ آزادی‌های عمومی و حقوق بشر؛ تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.
۳۰. طوسی، محمد بن حسن؛ الخلاف؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۷ق.
۳۱. کاتوزیان، ناصر؛ مبانی حقوق عمومی؛ تهران: انتشارات دادگستر، ۱۳۷۷.
۳۲. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق؛ الکافی؛ تهران: انتشارات دارالکتب اسلامی، ۱۴۰۷ق.
۳۳. گلدوزیان، ایرج؛ حقوق جزای عمومی ایران؛ ج ۱، ج ۱۰، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۶.
۳۴. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی؛ بحار الأنوار؛ بیروت: انتشارات دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۳۵. محسنیان، سیدعلی؛ «ورود رسانه‌ها به حریم خصوصی»، مجله پژوهش و سنجش؛ ش ۳۹ و ۴۰، زمستان ۱۳۸۳.
۳۶. محلاتی، سروش؛ دولت و ابزارهای الزام به شریعت (تحریم رسانه‌های حلال) «درس خارج فقه»، برگرفته از سایت ایشان به نشانی <http://soroosh-mahallati.com/>، [بی تا].
۳۷. مکارم شیرازی، ناصر؛ القواعد الفقهية؛ قم: انتشارات مدرسه امام امیر مؤمنان علیه السلام، ۱۴۱۱ق.
۳۸. —؛ تفسیر نمونه؛ تهران: انتشارات دارالکتب الإسلامية، ۱۳۷۴.
۳۹. منتظری نجف‌آبادی، حسین‌علی؛ رساله استفتائات؛ قم: [بی تا]، [بی تا].
۴۰. مهریزی، مهدی؛ «دولت دینی و حریم خصوصی»، مجله حکومت اسلامی؛ ش ۱۲، تابستان ۱۳۷۸.
۴۱. موحدی لنکرانی، محمدفاضل؛ القواعد الفقهية؛ قم: انتشارات چاپخانه مهر،

۱۴۱۶ق.

۴۲. موحدی لنکرانی، محمدفاضل؛ جامع المسائل؛ قم: انتشارات امیر قلم، [بی تا].

۴۳. موسوی بجنوردی، سیدحسن بن آقابزرگ؛ القواعد الفقهية؛ قم: نشر الهادی،

۱۴۱۹ق.

۴۴. موسوی گلپایگانی، سیدمحمدرضا؛ إرشاد السائل؛ بیروت: انتشارات دارالصفوة،

۱۴۱۳ق.

۴۵. نراقی، احمد بن محمد مهدی؛ مستند الشیعة فی أحكام الشریعة؛ قم: انتشارات

مؤسسه آل البیت علیه السلام، ۱۴۱۵ق.

۴۶. نوری، حسین بن محمد تقی؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل؛ بیروت:

انتشارات مؤسسه آل البیت علیه السلام، ۱۴۰۸ق.

۴۷. هاشمی، محمد؛ حقوق بشر و آزادی های سیاسی؛ تهران: نشر میزان، ۱۳۸۴.

۱۵۷

۴۸. هوسمن، کارل؛ حرمت حریم خصوصی در برابر حق مردم به آگاهی از

رویدادها؛ تهران: رسانه معاونت امور مطبوعاتی و تبلیغاتی وزارت فرهنگ و

ارشاد اسلامی، [بی تا].